

بررسی سبک‌های ارتباطی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) به‌عنوان پیش‌بین‌های آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان نوجوان شهر اهواز

محمدرضا سلطانی منش^{۱*}، فریا کیانی هرچگانی^۲

۱. دانشجوی گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجن، بروجن

۲. گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجن، بروجن

چکیده

هدف حاضر بررسی سبک‌های ارتباطی و سیستم‌های مغزی-رفتاری به‌عنوان پیش‌بین‌های آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان نوجوان شهر اهواز بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش آموزان نوجوان شهر اهواز در سال ۹۸-۹۹ به تعداد ۱۰۳۴۶ نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و با استفاده از روش خوشه‌ای ۳۷۴ نفر به دست آمد که پرسشنامه‌ها توسط این افراد تکمیل گردید. نوع پژوهش بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات به شیوه همبستگی از سه سبک‌های ارتباطی ساسکین و موریس (۱۹۸۷)، سیستم‌های مغزی-رفتاری گری-ویلسون و رفتار تکانشی ماسون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد میزان آمادگی به رفتار تکانشی در آنان کمتر است. هر چه دانش آموزان دارای سبک‌های ارتباطی جرات مندانه بیشتری باشند، آمادگی به رفتار تکانشی در آنان کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر هرچه دانش آموزان دارای سبک ارتباطی پرخاشگرانه و منفعلانه بیشتری باشند، آمادگی به رفتار تکانشی در آنان بیشتر خواهد بود. همچنین افزایش سیستم مغزی-رفتاری در دانش آموزان با کاهش آمادگی به رفتار تکانشی در آنان همراه شده است. نتایج فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه، جراتمندانه)، سیستم مغزی-رفتاری و آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه چندگانه وجود دارد.

کلمات کلیدی: سبک‌های ارتباطی، سیستم‌های مغزی-رفتاری، رفتار تکانشی، دانش آموزان نوجوان شهر اهواز

*ایمیل نویسنده مسئول: m. mashayekh@kiauo.ac.ir

مقدمه

تقریباً اکثریت متخصصین علوم روان‌شناختی بر این باورند که دوره نوجوانی ازجمله حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوره‌های تحولی هر انسان است. پیامد طبیعی طغیان زیستی بلوغ، افزایش تهییج‌پذیری، تعارض و مخالفت با بزرگسالان است. در این دوره فرد به بلوغ می‌رسد، در پی کشف هویت خود و به دنبال استقلال و جدایی از وابستگی‌های دوره کودکی است و ضعف در تصمیم‌گیری (در زمینه‌هایی مانند مدرسه، روابط با جنس مخالف و مصرف مواد)، نتایج منفی‌تری را نسبت به دوران کودکی در بردارد. مجموعه این عوامل سبب می‌شوند که نوجوانان دارای وضعیت روانی چندان باثباتی نباشند و در این دوره است که معمولاً بیشترین مشکلات رفتاری به وجود می‌آید. (گارنفسکی^۱، ۲۰۱۶). آسیب‌پذیری‌های جدایی‌ناپذیری در دوره نوجوانی وجود دارد که ممکن است منجر به مشکلات یا بروز رفتارهای تکانشی در نوجوانان شود. روان‌شناسان معتقدند که هیچ رفتاری بدون مقدمه بروز نمی‌کند، بلکه معلول چندین عامل زمینه‌ساز است. رفتارهای تکانشی نوجوانان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. همه حالات و رفتار آن‌ها حکایت از برافروختگی، زبانه کشیدن، دستور و هیجان دارد. (شریعتی، ۱۳۹۴) در مفهوم رفتارهای تکانشی که در برخی رویکردها، رفتارهای مخاطره‌آمیز نیز نامیده می‌شوند، به عملکردهایی گفته می‌شود که اگرچه تا اندازه‌ای با آسیب یا زیان‌های احتمالی همراه‌اند، امکان دستیابی به گونه‌ای پاداش را نیز فراهم می‌کنند (اختیاری و همکاران، ۱۳۹۲)

مرور تحقیقات انجام‌شده درباره تکانش گری نشانگر آن است که تکانش گری و رفتارهای تکانشی هسته اصلی بسیاری از اختلالات روانی از قبیل بیش‌فعالی/نقص توجه، اختلالات شخصیت، اختلال یادگیری، اختلال سلوک، اختلال کنترل تکانه، سوءمصرف مواد و رفتارهای خودکشی گرایانه را تشکیل می‌دهند. (لوماس^۲، ۲۰۱۴) (بارت^۳، ۲۰۰۹) بر اساس رویکرد روان‌شناختی، امروزه تکانش گری به‌صورت یک بعد شناختی مفهوم‌پردازی می‌شود که با عدم بازداری شناختی، روند کند و ناقص تصمیم‌گیری و بی‌ثباتی هیجانی در افراد همراه می‌باشد (گالو^۴، لوکسون^۵، ۲۰۱۲).

1. Garnefski

2. Lomas

3. Barratt, E

4. Gallo

5. Loxyon

مشکل تکانش گری در بسیاری اوقات زمانی که کودک وارد مدرسه می‌شود و با خواسته‌های اجتماع و محیط آموزشی روبه‌رو می‌شود نمایان می‌گردد. این بدان دلیل است که رفتارهای تکانشی آن‌ها موجب ایجاد پاسخ‌های نادرست بیشتری شده و در نتیجه نیاز به تمرکز بیشتر و سازماندهی بهتری دارند (واتسون^۱ و سلک^۲، ۲۰۱۶). از آنجاکه خانواده اولین مکانی است که نوزاد با او رابطه برقرار می‌کند لذا ارتباط به‌عنوان یک فرایند پیوند عاطفی بین اعضای خانواده و فرزند، ازجمله نظریات بنیادی در زمینه تحول شخصیت کودک و نوجوان است که اثرات آن در تمام طول زندگی پابرجا مانده و تحت اشکال مختلف متجلی می‌شود، خانواده مهم‌ترین نقش را در پرورش ویژگی‌های روانی و عاطفی کودک به عهده دارد و کانون سلامتی یا بیماری محسوب می‌شود. (بلانز^۳ و همکاران، ۲۰۱۱).

بالبی^۴ معتقد بود که رفتار انسان را تنها از طریق بررسی محیط انطباقی آن، یعنی محیطی بنیادی که این رفتار در آن محیط تکامل یافته است، می‌توان درک کرد. به نظر او آدمی به‌عنوان محصول تکامل به بودن در کنار والد یا کسی که از او نقش پذیرفته است، نیازی غریزی دارد. این نیاز در کنه وجود کودک ریشه دارد و شاید اگر این نیاز نبود، نسل آدمی پابرجا نمی‌ماند؛ تا حدی که خود کودک گاه احساس کند که قطع تماس با والد، به مرگ او منجر خواهد شد، همچنین او پژوهش‌های گسترده‌ای درباره مفهوم دل‌بستگی به عمل آورد. او دل‌بستگی را چنین توصیف کرده است: «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان». تجربیات اولیه کودکی، تأثیر مهمی بر رشد و رفتارهای بعدی در زندگی دارد و سبک‌های دل‌بستگی اولیه ما در دوران کودکی و از طریق رابطه کودک / پرستار شکل می‌گیرد. (بالبی، ۱۹۸۸)

از آنجاکه کشور ما، ایران، دارای جامعه‌ای جوان با گوناگونی فرهنگی می‌باشد، می‌توان حدس زد که برخی از آسیب‌های اجتماعی و روانی خصوصاً در نوجوانان ممکن است به علت جنبه‌هایی از انحرافات در رفتارهای مخاطره‌آمیز و به‌طور کلی در تکانش گری باشد، هرروز اخباری راجع به افزایش بزهکاری، دوستی‌ها و روابط عاشقانه مفرط، رفتارهای جنسی پرخطر، فرار دختران و ... می‌شنویم. با توجه به این موضوع، تکانش گری و رفتارهای مخاطره جویانه علاوه بر اثرات سوء روانی - اجتماعی - خانوادگی، دارای پیامدها و عواقب خطرناک

1. Watson

2. Selleck

3. Blanz

4. Edward John Mostyn Bowlby

و جبران ناپذیری در نوجوانان جامعه می باشد که این مسئله توجه ما را در جهت معضل بزرگی که امروزه به شدت گریبان گیر جامعه ماست، سوق می دهد. (صفری، ۱۳۹۰)

نوجوانی دوره ای است که به نظر می رسد در آن بسیاری از تصمیم گیری ها همانند بزرگسالان است، اما باید متذکر شد که هنوز تصمیم نوجوانان ناپایدار است و در برخی موارد ممکن است به رفتارهای ناکارآمد و حتی خطرناک منتهی شود. تکانش گری و هیجان طلبی عموماً با ورود به این دوره افزایش می یابد. تغییرات عمیق روانی فیزیولوژیکی در طی دوران نوجوانی اتفاق می افتد. نوجوانان سبک های شناختی و هیجانی مشابه بزرگسالان را کسب می کنند و به طور فزاینده ای از طریق محرک های بزرگسالان برانگیخته می شوند. (شریعتی، ۱۳۹۴)

در کودکی انگیزش در جهت گسترش یادگیری هایی در مورد تجارب بزرگسالی است، فرایندی که پیامدهای آسیب رسان کمتری دارد، اما در نوجوانی انگیزش برای شرکت در تجارب بزرگسالی پیش می رود که غالباً بدون توجه به سودمندی های دانش تجربی مرتبط به موقعیت برای تصمیم گیری و انتخاب می باشد. (صفری، ۱۳۹۰).

روابط بین فردی، از مهم ترین مؤلفه های زندگی انسان از آغاز تولد تا هنگام مرگ است. هیچ یک از توانمندی های بالقوه انسان، جز در سایه روابط بین فردی رشد نمی کند. فراگیری روابط بین فردی صحیح، اهمیتی بسزا در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصیت، هویت یابی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خود شکوفایی دارد. افرادی که از مهارت های ارتباطی ضعیف تری برخوردارند کمتر از سوی اطرافیان خود پذیرفته می شوند و با مشکلات کوتاه مدت و بلندمدت زیادی روبرو هستند. پیامد چنین ارتباطی در بیشتر موارد تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی، بیماری جسمی و حتی مرگ خواهد بود. برای رهایی از چنین مشکلاتی، باید با مجموعه ای از مهارت ها آشنا شد، یعنی هر فرد باید دانش و مهارت لازم، برای برقراری ارتباط سالم و سازنده با دیگران را کسب کند (فیاض، ۱۳۹۴).

ارتباط یک ضرورت اساسی در زندگی بشری است. انسان ها به طور طبیعی موجودات اجتماعی هستند که نیازهای یکدیگر را از طریق همکاری متقابل رفع می سازند، ارتباط انسانی نه تنها ما را قادر می سازد تا نیازهای جسمی و ایمنی خود را برطرف سازیم، بلکه ما را در برآورده ساختن نیازهای روانی مانند نیاز به عشق، تعلق و

ارزش نفس نیز کمک می‌کند. توانایی برقراری ارتباط برای ایجاد رفاه و عملکرد انسانی، اساسی می‌باشد (همتی مسلک پاک، ۱۳۹۲).

دانش آموزان در صحنه وسیع اجتماعی باید حل مسئله، گشودن مشکلات خود، برقراری ارتباط با افراد گوناگون، درک فردی و گروهی و توانایی کنترل کردن احساسات، انگیزه‌ها و رفتارهای خود را داشته باشند، ناتوانی افراد یک جامعه در شناخت صحیح مشکلات، عدم همکاری با یکدیگر، عدم درک همدیگر و نظایر این‌ها، آن‌ها را در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران در جامعه‌ای که به‌سوی جهانی‌شدن در حرکت است، با مشکل مواجه می‌کند که از این افراد نسلی ضعیف و ناتوان در مقابل انواع مسائل اجتماعی بار خواهد آورد که این موارد از عدم مهارت‌های اجتماعی از جمله مهارت‌های ارتباطی ناشی می‌شوند (خسروی، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد که افراد از لحاظ زیستی، تفاوت‌های فردی خاصی دارند که آمادگی آن‌ها را برای گرایش به رفتار تکانشی تحت تأثیر قرار می‌دهد. گری (۱۹۸۲) با مطالعه در مورد مکانیسم‌های مغزی پاداش و تنبیه در پستانداران، الگوی شخصیتی خاصی را که مبنی بر فعالیت سیستم‌های مغزی / رفتاری مختلف می‌باشد مطرح کرده است. به اعتقاد گری (۱۹۹۱) تفاوت‌های فردی در کنش‌وری این سیستم‌ها و تعامل آن‌ها، زیربنای خلق و خوی انسان را تشکیل می‌دهند. این سیستم‌ها عبارت‌اند از: سیستم بازداری رفتاری (BIS)^۱، سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS)^۲ و سیستم جنگ / گریز (FFS)^۳. به نظر می‌رسد که حساسیت متفاوت سیستم‌های مغزی / رفتاری در افراد مختلف، آسیب‌پذیری آن‌ها را برای تجربه حالت‌های مختلف روان‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهد. (تجربیشی ۱۳۹۳).

سیستم مغزی- رفتاری به وضعیت حساسیت فرد به محرک‌های پاداش یا تنبیه اطلاق می‌شود که در حقیقت تفسیری از ویژگی‌های شخصیتی افراد بر اساس خصوصیات ژنتیک، فیزیولوژیک و عصب روان‌شناختی آن‌ها است. (پیکرینگ^۴ و کار، ۲۰۰۸) نظریه سیستم‌های مغزی / رفتاری، نظریه زیست روان‌شناختی شخصیت است که توسط گری^۵ در دهه ۱۹۷۰ میلادی ارائه شد. (کار، ۲۰۰۸) گری با بازنگری ادبیات پژوهش‌های

1. Behavioral Inhibition System: BIS
2. Behavioral Activation System: BAS
3. Fight Flight System: FFS
4. Pickering
5. Gray, J. A

حیوانی در نظریه حساسیت به تقویت^۱، از شخصیت یک الگوی زیستی ارائه نمود که شامل سه سیستم مغزی رفتاری است. به اعتقاد وی این سیستم‌های مغزی رفتاری اساس تفاوت‌های فردی می‌باشند و فعالیت هر یک از آن‌ها به فراخوانی واکنش‌های هیجانی متفاوت، نظیر زود انگیزختگی، اضطراب و ترس می‌انجامد. حساسیت این سیستم نمایانگر زود انگیزختگی و تکانش‌گری فرد است. (گری، ۱۹۹۴).

امیری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان، تکانش‌گری و برونگرایی در گرایش اعتیاد به اینترنت دانشجویان دانشگاه ارومیه نشان دادند که همبستگی منفی معناداری بین راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان و اعتیاد به اینترنت وجود دارد و تنها در مورد دو مؤلفه ملامت خویشتن و فاجعه‌سازی رابطه معنادار نبود همچنین همبستگی مثبت معناداری بین مقیاس تکانش‌گری و برونگرایی با اعتیاد به اینترنت به دست آمد.

شریفی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان رابطه‌ی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و عاطفه مثبت و منفی با تاب‌آوری زنان مبتلا به سرطان پستان انجام داده است. نتایج نشان داد که بین تاب‌آوری باعاطفه مثبت و راهبردهای مثبت تنظیم هیجان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. از سویی دیگر، بین راهبردهای منفی تنظیم هیجان و عاطفه منفی با تاب‌آوری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

حقیقت‌نژاد (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی با واسطه‌گری راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در دانش‌آموزان متوسطه شهرستان اقلید انجام داده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که سبک دل‌بستگی ایمن (معکوس و معنادار) و سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی (مستقیم و معنادار) با اضطراب اجتماعی رابطه معنادار وجود داشت.

دی‌نیکولا^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق خود که رابطه‌ی غریزه و اختلالات فکری - روانی اولیه و ثانویه ساخت سیستم بازداری رفتاری و سیستم فعال‌ساز رفتاری بر اساس معیار اندازه‌گیری‌گری موردبررسی قرار داد، به این نتایج دست‌یافت که یکی از پیامدهایی که سیستم فعال‌ساز رفتاری با آن ارتباط زیادی دارد، تکانش‌گری است.

1. Reinforcement Sensitivity Theory (RST)

2. Di Nicola

داو^۱ و لوکستون (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان نقش تکانش گری در توسعه استفاده از مواد و بروز اختلالات، دریافتند تکانش گری محور عمده‌ای در تشخیص انواعی از اختلالات بالینی مانند وابستگی به مواد است.

پژوهشی توسط بروکا^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، بر روی فشار هیجانی، عاطفه مثبت و نرخ مرگ‌ومیر در بیماران قلبی که از ضربان‌ساز قلبی استفاده می‌کردند صورت گرفت. نتایج نشان داد که عاطفه منفی به نحو معناداری با نرخ مرگ‌ومیر سالانه این افراد در ارتباط است، همچنین علائم افسردگی با افزایش ریسک نرخ مرگ‌ومیر در ارتباط بود.

شاپیرو^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیقی که بر روی ۱۴۴ بیمار بستری در بخش سم‌زدایی بیمارستان انجام داد، نتایج نشان داد که افرادی که نمرات بیشتری در زمینه عاطفه منفی کسب کردند، گرایش بیشتری به استفاده از الکل و سیگار دارند، در مقابل افرادی که در زمینه عاطفه مثبت نمره بالاتری کسب کردند به‌طور معناداری از مصرف سیگار و الکل امتناع می‌کردند.

لذا در این پژوهش محقق بر آن است تا به بررسی سبک‌های ارتباطی^۴ و سیستم‌های مغزی- رفتاری^۵ به‌عنوان پیش‌بین‌های آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان نوجوان شهر اهواز بپردازد.

مواد و روش

با توجه به‌عنوان تحقیق، روش مورد استفاده توصیفی همبستگی می‌باشد. این روش به‌منظور کشف واقعیت‌های موجود یا آنچه هست انجام می‌شود. پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی، کمی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی- همبستگی است. متغیرها در این پژوهش به ترتیب سبک‌های دل‌بستگی، سیستم‌های مغزی- رفتاری و رفتار تکانشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان نوجوان، مقطع متوسطه مدارس شهر اهواز در سال ۹۸-۹۹ است که تعداد آن‌ها بر مبنای استعلام از اداره آموزش و پرورش ۱۰۳۴۶ نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده گردید که با توجه به حجم جامعه (۱۰۳۴۶) حجم

1. Dawe
2. Broeka et al.
3. Shapiro et al.
4. Attachment Styles
5. Brain/ Behavioral system

نمونه موردنظر ۳۷۴ نفر به دست آمد. افراد نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مدارس متوسطه مختلف انتخاب شده و آزمون‌ها توسط ۳۷۴ نفر تکمیل گردید.

اولین پرسشنامه‌این پژوهش، پرسشنامه استاندارد سبک ارتباطی توسط ساسکین و موریس در سال ۱۹۸۷ طراحی شد و دارای ۶ سؤال می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس (۳) توصیفی ارائه شده، آزماینده وضعیت خود را در مورد میزان تطابقش با هر توصیف که بیانگر یک سبک ارتباطی است مشخص می‌کند. هماهنگی درونی این سه توصیف در حد بالا نشان‌دهنده این است که هر توصیف موضوعی متفاوت از توصیف دیگر را بررسی می‌کند. این پرسشنامه اولین پرسشنامه‌ای است که جهت ارزیابی سبک ارتباطی استفاده شده است. همان‌طور که اشاره شد این پرسشنامه شامل سه آیتام و سه خرده مقیاس نیز می‌باشد.

در این آزمون، آزمودنی بسته به میزان موافقت خود با متن سؤال از اولین گزینه (هرگز) که کمترین میزان موافقت را در خود دارد تا آخرین گزینه یعنی (همیشه) بیشترین موافقت را انتخاب می‌کند. نمره دهی هر سؤال از یک تا پنج متغیر است.

در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۳) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت اعتبار آن توسط آزمون - آزمون مجدد روی این نمونه به ترتیب برای سبک ارتباطی پرخاشگری، منفعلانه و جرات مندانه به ترتیب برابر ۰,۷۲، ۰,۵۶ و ۰,۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر ۰,۷۹ - به دست آمد که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد. (تاج و همکاران ۱۳۹۲)

در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه سبک‌های ارتباطی (پرخاشگری، منفعلانه و جرات مندانه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای این پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰,۸۶/۸۹، ۰/۰,۸۲ و ۰/۰,۸۲ که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یادشده می‌باشد جدول (۳ - ۴) را ملاحظه نمایید.

همچنین برای پرسشنامه سیستم‌های مغزی-رفتاری از پرسشنامه شخصیتی گری _ ویلسون که میزان فعالیت سیستم‌های مغزی / رفتاری و مؤلفه‌های آنان را ارزیابی می‌کند، استفاده شد، این مقیاس یک پرسشنامه خودارزیابی شخصیتی است که ویلسون، بارت و گری در سال ۱۹۸۹ آن را طراحی کرده‌اند که متشکل از ۱۲۰ سؤال می‌باشد. مطابق با نظریه شخصیتی گری، سه سیستم جداگانه _ اما در تعامل با هم _

در مغز پستانداران وجود دارد که رفتارهای هیجانی را کنترل می‌کنند (پاسکالیس^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین غلبه و فعالیت هر یک از این سیستم‌ها در فرد، منجر به حالت‌های هیجانی متفاوت، چون اضطراب، زود انگیزش و ترس می‌گردد و شیوه‌های رویارویی و واکنش‌های رفتاری متفاوتی را برمی‌انگیزد. این سیستم‌ها عبارت‌اند از: سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS)، سیستم بازداری رفتاری (BIS) و سیستم جنگ / گریز (FFS). هر یک از این سیستم‌ها در سه سطح توصیف می‌شوند: سطح رفتاری (تحلیل درون شد/برون‌شد)، سطح عصبی (کنش‌وری و ساختار مغز) و سطح شناختی (کارکردهای پردازش اطلاعات به‌دست‌آمده از فرآیندهای عصبی مربوط).

می‌توان سطح چهارمی نیز به این سطوح اضافه کرد و آن سطح فاعلی است، اما پژوهش‌های تجربی روش معتبری برای ارزیابی بعد اخیر نداشته‌اند (گری، ۱۹۹۴).

در زمینه اعتبار این پرسشنامه، ویلسون، بارت و گری (۱۹۸۹) ضرایب آلفای کرونباخ را برای مؤلفه‌های روی‌آوری، اجتناب فعال، اجتناب منفعل، خاموشی، جنگ‌گریز به این ترتیب به دست آورده‌اند: برای مردان ۰/۷۱، ۰/۶۱، ۰/۵۸، ۰/۶۱، ۰/۶۵ و ۰/۶۵ و برای زنان ۰/۶۸، ۰/۳۵، ۰/۵۹، ۰/۶۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۱؛ که بیانگر ثبات درونی مناسب آزمون است. همچنین با استفاده از همبستگی میان مؤلفه‌های GWPQ و پرسشنامه شخصیتی آیسنک، روایی همگرایی آزمون را نشان دادند.

این پرسشنامه توسط آزاد فلاح و همکاران (۱۳۷۸) به فارسی برگردانده شده و در یک گروه ۲۱۱ نفری از دانشجویان ایرانی اجرا شده است. همچنین اشرافی (۱۳۸۵) ضرایب آلفای کرونباخ را برای مؤلفه‌های روی‌آوری، اجتناب فعال، اجتناب منفعل، خاموشی، جنگ‌گریز به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۵۴، ۰/۶۱، ۰/۶۶، ۰/۶۵ و ۰/۶۹ و ضرایب همسانی از طریق روش دونیمه سازی را به ترتیب برابر ۰/۵۳، ۰/۵۷، ۰/۵۲، ۰/۶۲، ۰/۶۴ و ۰/۶۴ گزارش کرده است.

این پرسشنامه دارای ۱۲۰ سؤال است برای هر یک از سؤال‌های پرسشنامه سه گزینه‌ی «بلی»، «خیر» و «نمی‌دانم» وجود دارد. آزمودنی گزینه «نمی‌دانم» را در صورتی انتخاب می‌کند که به هیچ رو نتواند یکی از گزینه‌های بلی و خیر را انتخاب کند.

1. Pascalis, V. D

برای هر ماده با علامت +، «بلی» ۲ نمره، «نمی‌دانم» ۱ نمره و «خیر» صفر نمره؛ و برای هر ماده با علامت-، «بلی» صفر نمره، «نمی‌دانم» ۱ نمره و «خیر» ۲ نمره تعلق می‌گیرد (جدول شماره ۱). در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه سیستم‌های مغزی- رفتاری از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۵، که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یادشده می‌باشد (جدول ۳-۳ را ملاحظه نمایید).

در زمینه رفتار تکانشی نیز از پرسشنامه رفتار تکانشی که ماسون و همکاران در سال ۱۹۹۵ آن را طراحی کرده‌اند، استفاده شد. هدف این پرسشنامه، بررسی وضعیت نا پیروی تکانشی در افراد است که دارای ۱۷ سؤال می‌باشد، به‌صورت بلی و خیر پاسخ داده می‌شود. به‌منظور نمره‌گذاری پرسشنامه به هر گزینه بلی ۱ امتیاز و به هر گزینه خیر ۰ امتیاز دهید. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه امتیاز همه سؤالات پرسشنامه را با هم جمع نمایید. این عدد دامنه‌ای از ۰ تا ۱۷ خواهد داشت و بدیهی است که هر چه این امتیاز بالاتر باشد، بیانگر میزان نا پیروی تکانشی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس. لازم به ذکر است که نا پیروی تکانشی یکی از علائم غیر بالینی ابتلا به اسکیزوتایپی می‌باشد.

در پژوهش یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) به‌منظور بررسی روایی هم‌زمان، از اجرای هم‌زمان مقیاس شخصیتی اسکیزوتایپی (STA) استفاده شد. بدین منظور ۸۰ نفر از نمونه تحقیقی که به‌طور تصادفی انتخاب‌شده بودند هم‌زمان به سؤالات دو پرسشنامه جواب دادند. نتایج تحلیل با استفاده از روش همبستگی پیرسون نشان داد که همبستگی بین این دو پرسشنامه ۸۹/۰ می‌باشد. برای تعیین پایایی باز آزمایی، تعداد ۴۳ نفر به‌صورت نمونه‌گیری داوطلب انتخاب و سپس در فاصله ۴ هفته دوباره آزمایش شدند. ضریب پایایی نا پیروی تکانشی ۰/۷۳ به دست آمد. (ماسون ۱۹۹۵)

در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه آمادگی به رفتار تکانشی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۵، که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یادشده می‌باشد.

یافته‌های توصیفی

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

N	انحراف استاندارد	میانگین	متغیرهای پژوهش
	۷/۶۲	۴۶/۶۱	سبک ارتباطی پرخاشگرانه
	۶/۸۱	۳۹/۸۵	سبک ارتباطی منفعلانه
	۵/۹۵	۳۱/۹۴	سبک ارتباطی جرات مندانه
	۱۸/۵۲	۱۲۵/۹۴	سیستم‌های مغزی- رفتاری
	۵/۴۲	۲۵/۵۴	روی‌آوری
	۴/۰۲	۱۹/۱۱	اجتناب فعال
	۴/۱۶	۲۳/۷۴	اجتناب منفعل
	۶/۷۸	۲۸/۴۳	خاموشی
	۳/۱۴	۱۵/۱۲	جنگ
	۴/۸۵	۱۹/۹۴	گریز
	۲/۴۵	۹/۸۵	رفتار تکانشی

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان را نشان می‌دهد.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر، شامل فرضیه‌های زیر است که هر فرضیه همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در این ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری و آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه چندگانه وجود دارد.

جهت پاسخگویی به این فرضیه از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده گردید که نتایج آن در ذیل نشان داده شده است:

جدول (۲) خلاصه مدل تأثیر سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری بر آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

مدل	آماره	R	R ²	R ² تنظیم شده	خطای استاندارد
آماره	۰/۵۷۷	۰/۳۳۳	۰/۳۲۸	۷/۳۵	

جدول (۳) تحلیل واریانس مدل تأثیر سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری بر آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

متغیر \ آماره	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۶۶۷۷/۹۵	۲	۳۳۳۸/۹۷	۶۱/۷۳	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۳۳۵۹/۶۴	۳۷۱	۵۴/۰۸		
کل	۲۰۰۳۷/۶۰	۳۷۳			

جدول (۴) ضرایب مدل تأثیر سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری بر آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

متغیر	آماره	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۲۴/۸۴۶	۳/۱۳۸	β	۷/۹۱۸	۰/۰۰۰۱
سبک ارتباطی پرخاشگرانه	۰/۳۹۵	۰/۸۵۱	۰/۲۹۳	-۷/۶۴۷	۰/۰۰۰۱
سبک ارتباطی منفعلانه	۰/۳۶۵	۰/۰۳۲	۰/۲۵۲	۶/۶۴۷	۰/۰۰۰۱
سبک ارتباطی جراتمندانه	۰/۴۸۲	۰/۴۶۲	-۰/۳۳۲	۵/۵۶۲	۰/۰۰۰۱
سیستم‌های مغزی- رفتاری	۰/۳۹۵	۰/۴۸۲	-۰/۲۳۵	-۵/۱۵۲	۰/۰۰۰۱

نتایج جداول فوق نشان می‌دهند که مدل تأثیر سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه و جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی- رفتاری بر آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان معنی دار بود ($P < ۰/۰۰۱$)، $F = ۶۱/۷۳$ ، این مدل ۳۳/۳ درصد واریانس آمادگی به رفتار تکانشی دانش آموزان را توجیه می‌کند. ضرایب نشان

می‌دهد که با توجه به ضریب بتای به‌دست‌آمده متغیر تنظیم شناختی منفی هیجان بیشترین سهم در پیش‌بینی آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان را دارد و متغیر سبک ارتباطی پرخاشگرانه و منفعلانه پیش‌بینی کننده بعدی آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان است.

فرضیه دوم: بین سبک ارتباطی منفعلانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین سبک ارتباطی پرخاشگرانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین سبک ارتباطی جراتمندانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول (۵) ضرایب همبستگی ساده بین سبک‌های ارتباطی با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

متغیر ملاک	شاخص آماری متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)	تعداد نمونه (n)
آمادگی به رفتار تکانشی	سبک ارتباطی پرخاشگرانه	۰/۲۹	۰/۰۰۰۱	۳۷۴
	سبک ارتباطی منفعلانه	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱	
	سبک ارتباطی جراتمندانه	-۰/۴۶	۰/۰۲۱	

همان‌طوری که در جدول ۵ نشان داده‌شده است بین سبک ارتباطی منفعلانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد ($r = ۰/۲۹$ و $p = ۰/۰۰۰۱$). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای سبک ارتباطی منفعلانه باشند آمادگی به رفتار تکانشی در آنان افزایش پیدا می‌کند.

همان‌طوری که در جدول ۵ نشان داده‌شده است بین سبک ارتباطی پرخاشگرانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد ($r = ۰/۴۱$ و $p = ۰/۰۰۰۱$). بنابراین فرضیه پنجم تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر، به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای سبک ارتباطی پرخاشگرانه بیشتری باشند آمادگی به رفتار تکانشی در آنان بیشتر خواهد بود.

بین سبک ارتباطی جراتمندانه با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($r = -0/46$ و $p = 0/021$). بنابراین فرضیه ششم تأیید می گردد؛ به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای سبک ارتباطی جراتمندانه بیشتری باشند آمادگی به رفتار تکانشی در آنان کاهش پیدا خواهد کرد.

فرضیه هفتم: بین سیستم های مغزی- رفتاری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول (۶) ضرایب همبستگی ساده بین سیستم های مغزی- رفتاری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان

متغیر ملک	شاخص آماری متغیر پیش بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)
آمادگی به رفتار تکانشی	سیستم های مغزی- رفتاری	-0/28	0/001
	روی آوری	-0/11	0/085
	اجتناب فعال	-0/19	0/032
	اجتناب منفعل	-0/32	0/001
	خاموشی	-0/16	0/045
	جنگ	0/31	0/001
	گریز	0/24	0/005

همان طوری که در جدول ۶ ملاحظه می شود بین سیستم های مغزی- رفتاری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($r = -0/28$ و $p = 0/001$)؛ بنابراین فرضیه هفتم تأیید می گردد؛ به عبارت دیگر، افزایش سیستم های مغزی- رفتاری در دانش آموزان با کاهش آمادگی به رفتار تکانشی در آنان همراه شده است.

همچنین بین سیستم های مغزی- رفتاری در زمینه روی آوری با آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان رابطه ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی سبک های ارتباطی و سیستم های مغزی- رفتاری به عنوان پیش بین های آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان نوجوان شهر اهواز بود.

نتایج نشان داد که مدل تأثیر سبک ارتباطی (پرخاشگرانه، منفعلانه، جراتمندانه) و سیستم‌های مغزی-رفتاری بر آمادگی به رفتار تکانشی در دانش آموزان معنی‌دار بود ($F=61/73$, $P< 0/001$)، این مدل ۳۳/۳ درصد واریانس آمادگی به رفتار تکانشی دانش آموزان را توجیه می‌کند.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت به نظر می‌رسد که سبک‌های ارتباطی و سیستم‌های مغزی رفتاری بیش از هر عامل دیگری قابلیت پیش‌بینی را داشته باشند. یکی از عواملی که تکانش‌گری را پیش‌بینی می‌کند و با آن ارتباط مستقیم دارد، سبک ارتباطی می‌باشد. ارتباط، یعنی برقراری پیوند با افرادی خاص در زندگی. افرادی که سبک ارتباطی جراتمندانه دارند نسبت به افرادی که سبک پرخاشگری و یا منفعلانه دارند، در مواقع فشار و تنش بهتر می‌توانند حمایت‌های اجتماعی را جلب نموده و خود را با شرایط سازگار سازند. درنهایت سیستم‌های مغزی - رفتاری سیستم‌هایی در مغز هستند که رفتارهای هیجانی را کنترل می‌کنند؛ که شامل سیستم فعال‌سازی رفتاری و سیستم بازداری رفتاری هستند. این دو سیستم هیجانی به‌وسیله تنظیم حساسیت فرد، به تهدید و پاداش‌های دریافتی شخصیت را شکل می‌دهند. براین اساس افرادی که سیستم فعال‌سازی رفتاری دارند به دنبال کسب پاداش هستند، احتمال بیشتری دارد که به رفتارهای مخاطره‌آمیز دست بزنند، هیجان مثبت بیشتری تجربه کنند و به میزان بیشتری رفتارهای تکانشی از خود نشان دهند. درحالی‌که افراد دارای سیستم بازداری رفتاری قوی، افرادی محافظه‌کارند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای اجتنابی انجام دهند و به میزان بیشتری اضطراب را نشان می‌دهند. با توجه به مطالب فوق، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان، سبک‌های ارتباطی و سیستم‌های مغزی - رفتاری پیش‌بینی کننده تکانش‌گری می‌باشد.

یافته‌های اعظمی (۱۳۹۲) نیز نشان داد که آموزش الگوهای ارتباطی می‌تواند در کاهش تکانش‌گری در افراد مؤثر واقع گردد، دشواری در تنظیم هیجان‌ها یکی از مشکلات افراد است و آموزش نحوه ابراز و مدیریت هیجانات به این افراد می‌تواند در کاهش مشکلات آن‌ها مؤثر واقع گردد.

به‌صورت کلی این افراد، افراد منفعل و غیرجرات‌ورز از گفتن یا انجام دادن آنچه که از نظر یک مشاهده‌گر درست و منطقی به نظر می‌رسد خودداری می‌کنند. این افراد در رابطه با دیگران قادر نیستند منظور خود را ابراز کنند و به همین دلیل همواره در گفت‌وگوهایشان حاشیه پردازی می‌کنند. صدایشان لرزان و از موضع ضعف است و بدون آن‌که جایی برای عذرخواهی وجود داشته باشد پوزش می‌طلبند، به‌جای آن‌که چشم در

چشم طرف مقابل یا صورت او داشته باشند هنگام صحبت کردن به زمین نگاه می‌کنند و با انگشت‌هایشان بازی می‌کنند. حالت بدنی‌شان همانند افراد افسرده است، سرشان پایین و شانه‌های افتاده دارند (ریس و گراهام، ۱۹۹۱). در این سبک هدف فرد جلب رضایت دیگران به هر قیمت است؛ به همین علت از هر نوع رویارویی و تعارض خودداری می‌کند. در واکنش انفعالی، فرد نمی‌تواند افکار، احساسات و عقاید خود را نشان دهد؛ در نتیجه احساس رنجش می‌کند و در نهایت به هدفش نمی‌رسد و وارد رفتار تکانشی با شخص روبرو می‌شود.

یکی از عواملی که بر تکانش‌گری نوجوانان تأثیر می‌گذارد، چگونگی فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری می‌باشد. سیستم‌های مغزی رفتاری، پیش‌بین گرایش به رفتارهای تکانشگرانه و مخاطره‌آمیز در تمام سنین است. این به این معنا نیست که سیستم‌های مغزی رفتاری باعث بروز رفتارهای تکانشگرانه و مخاطره‌آمیز می‌شود، بلکه برخی از الگوهای فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری و رفتارهای تکانشگرانه و مخاطره‌آمیز، مکانیسم‌های عمل یکسانی دارند. سیستم فعال‌سازی رفتاری از طریق نشانه‌های شرطی پاداش یا رهایی از تنبیه فعال می‌گردد. فعالیت و افزایش حساسیت این سیستم موجب فراخوانی هیجان‌های مثبت، رفتار روی آورد و اجتناب فعال می‌گردد.

محدودیت‌ها

۱- عدم آگاهی و همکاری لازم از سوی برخی آزمودنی‌ها در خصوص انجام پژوهش.

۲- نبود پیشینه مرتبط کافی در رابطه به متغیرهای پژوهش

پیشنهادهای

۱- این که در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. از این رو با توجه به این که پرسش‌نامه‌ها جنبه خود سنجی داشته‌اند ممکن است در پاسخ‌ها سوگیری وجود داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش مصاحبه هم برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شود.

۱- پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به سایر متغیرهای مرتبط با رفتار تکانشی در دانش‌موردپژوهش قرار گیرد.

- ۲- پژوهش در جامعه آماری گسترده‌تر و در فرهنگ‌های مختلف صورت گیرد تا تفاوت فرهنگی و تأثیر آن در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد.
- ۳- امید است مسئولان، رسانه‌های ارتباطی و سایر نهادهای اجتماعی با فراهم ساختن زمینه‌ی مناسب بتوانند بستر کارگاه‌ها و کلاس‌های مشاوره‌ای بیشتری جهت بهبود سایر اختلالات دانش آموزان فراهم آورند.
- ۴- لزوم اجرای برنامه‌های آموزشی در جهت لزوم کنترل تکانه‌های آسیب‌زا که در نهایت باعث ایجاد زمینه گرایش جوانان و نوجوانان به سمت اعتیاد می‌شود.

منابع

- امین‌آبادی، اکبر؛ بهرامی، فاطمه؛ احمدی، سید احمد و صالحی، اعظم (۱۳۹۰). رابطه بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل فردی و خانوادگی، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۱ (۱): ۱۸، ۱۳۹۰-۱.
- اتکینسون، ریتال، ریچارد سی، اتکینسون (۱۹۸۳). زمینه روانشناسی هیگارد. ترجمه محمدتقی براهنی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.
- خسروی، احمدرضا (۱۳۹۲). مطالعه موردی شاهدی سبک‌های دفاعی و اضطراب حالت- صفت در دانشجویان مبتلا به اختلال اضطراب منتشره مجله علمی پژوهشی اصول بهداشتی روانی. سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۱). صفحه ۷-۱۴.
- همتی مسلک پاک، محمدرضا (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله، فصلنامه - علمی پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، پاییز ۹۲.
- فیاض، مهدی (۱۳۹۴) بررسی ارتباط خودکارآمدی، تکانشوری، فعال‌سازی- بازدارنده رفتاری و مهارت‌های اجتماعی با سوءمصرف مواد در دانش آموزان. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- پور افکاری، نصرت اله (۱۳۹۴). بررسی سبک‌ها و مکانیزم‌های دفاعی افراد مبتلا به اختلال وسواس- بی‌اختیاری، اختلال اضطراب تعمیم‌یافته و اختلال هراس اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- پورمحمدرضای تجریشی، م؛ میر زمانی بافقی، س (۱۳۹۲). ارتباط بین فعالیت سیستم‌های مغزی- رفتاری، حمایت اجتماعی و افسردگی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۴۵: ۲۶-۲۲۳.
- شریعتی کبیر، محمدی فرهاد. (۱۳۹۴). حساسیت سامانه‌های مغزی _ رفتاری در پیش‌بینی استعداد اعتیاد دانش آموزان. مجله رویش روان‌شناسی، سال ۴، شماره ۱۲.
- گرین برگ، د؛ امینف، م؛ سیمون، ر (۱۳۹۲) نورولوژی بالینی. فرهنگ بیگوند، ترجمه‌اش
- نوربالا، ا. (۱۳۹۴) عاطفه مثبت و منفی، مجله سپید
- کرین، ویلیام سی. (۱۹۹۹). نظریه‌های رشد، مفاهیم و کاربردها، ترجمه غلامرضا خویی نژاد و علیرضا خویی نژاد و علیرضا رجایی، (۱۳۸۴). تهران: رشد.
- Barratt, E., Stanford, M.S., Kent, T.A., & Felthous, A. (2012). Neuropsychological a cognitive psychophysiology substrates of impulsive aggression. Biological psychiatry, 41, 1045-1061.

- Brando, M., Zanoveil, J., Ruiz, R., Oliveira, L., Landeira, J. (2013). Different patterns of freezing behavior organized in the periaqueductal of rat: association with different type of anxiety. *Journal of Behavioral Brain Research*, 188:1-13.
- Di Nicola. (2015). Validating an instinction between primary and secondary psychopathy with measures of gray's BIS and BAS constructs. *Journal of Abnorm Psychol*, 114(2): 319-23.
- Dawe, S., Gullo, M.J., Loxton, N.J., (2017). Impulsivity and adolescent substance use: Rashly dismissed as "all-bad"? *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 32(8).
- Dawe s., Loxton N.J. (2014). The role of Impulsivity in the development of substance use and eatind disorders. *Neurosci Bio Behav Rev.* (28): 343-351.
- Gray, JA., Mcnaghton, N. (2015). The neuropsychology of anxiety: an nquire in to the functions of the septohipocampal sestem. Oxford University Press.
- Gray, JA. (1994). Framework for a taxonomy of psychiatric disorders. In S. H. M. *Journal of Emotion*, 2:29-59.
- Groves, PM. (2008). Atheory of the functional organization of the neostriatum & the neostriatal control of voluntary movment. *Journal of Brain Research Reviews*, 5: 109-132.
- Garnefski N, Kraaij V(2016). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences.*;40(8):1659-1669.
- Garnefski N, Kraaij V(2001). Modeling the relationships between adult attachment Patterns& borderline Personality disorder: The role of impulsitiy & aggressiveness. *Journal of Social & Clinical Psychology*
- Gray, JA., Mcnaghton, N. (2000). The neuropsychology of anxiety: an nquire in to the functions of the septohipocampal sestem. Oxford University Press.
- Groves, PM. (1983). Atheory of the functional organization of the neostriatum & the neostriatal control of voluntary movment. *Journal of Brain Research Reviews*, 5: 109-132.
- Gray, JA. (1970). The psychophysiology bases of introversion-extraversion. *Journal of Research and Therapy*, 8: 249-266.
- Lomas J, Stough C, Hansen K, Downey LA(2014). Brief report: Emotion·intelligence, victimisation and bullying in adolescents. *J Adolesc*, Jul; 35(1): 207-211.
- Thompson, H. (2016). The associations among the big five behavioral inhibition and behavioral apporoach systems and child adolescent adjustment in Russia. *Journal of Personality and Individual Differences*, 43: 913-924.
- Shapirob, D., Schlaucha, R., Stasiewiczza, P., Molnara, D., Langb, A. (2017). Affect and craving: positive and negative affect are differentially associated with approach and avoidance inclinations. *Journal of Addictive Behaviors*, 38(4):1970-1979.

- Watson, D., Clark, LA. (2013). The PANAS-X manual for the positive and negative affect schedule expanded. University of Iowa 1989. Available from: <http://www.psychology.uiowa.edu/Faculty/Watson/PANAS-.pdf> [Accessed 24 September 1989].